

رهبر انقلاب در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران درباره مواجهه مردم و مسئولان تبیین کردند

به مسئولان اعتماد کنید، انتقاد ایرادی ندارد



همچنان ناشناخته است، همچنان گزارش درست‌حسابی‌ای از آن به مردم داده نشده، حرکات سپاه و اقدام‌های سپاه در رفع محرومیت افشار ضعیف مردم است؛ [در این بخش] کارهای بزرگی انجام گرفته، کارهای گسترده‌ای انجام گرفته.

یک فصل مهم دیگر در زمینه عملکرد که این هم باید مورد توجه قرار بگیرد، اثرگذاری سپاه در فضای عمومی کشور است. طبیعی است یک مجموعه‌ای مثل سپاه با این خصوصیتی که گفته شد، برای نسل جوان می‌تواند جذاب باشد و واقعا جذاب است. نیروی جوان نگاه می‌کند می‌بیند در این مجموعه، علم و عمل در هم تنیده است؛ قدرت سخت و قدرت نرم در هم تنیده است. قدرت سخت و متوسک و پیچیده و امثال اینها است، قدرت نرم حضور در بین مردم، حرف زدن با مردم، کمک به مردم؛ اینها هر دو [هست] نگاه به آرمان‌ها در کنار توجه به واقعیت‌ها و پرداختن به واقعیت‌ها در سپاه وجود دارد. ارتباط با مردم، حضور بسیجی در کنار مردم؛ اینها را وقتی نیروی جوان در یک مجموعه نگاه می‌کند، مجذوب می‌شود؛ اینها جذاب است برای نیروهای جوان.

حالا شما ملاحظه کنید؛ یکی از بخش‌های مهم فعالیت دشمن مخدوش کردن چهره سپاه است، مخدوش کردن چهره بسیج است؛ چرا؟ به همین علت؛ چون سپاه جذاب است، چون بسیج جذاب است؛ این جذابیت، آنها را نگران می‌کند، آنها را سراسیمه می‌کند، مجبورند مخدوش کنند. با خبر دروغ، با شایعه دروغ، با انواع و اقسام حیل‌ها و شگردها می‌خواهند این الگوگیری وجود نداشته باشد، این یادگیری‌ها وجود نداشته باشد، این یادگیری‌ها وجود نداشته باشد. خوب این هم یک سرفصل که سرفصل عملکرد سپاه است. پس پیدایش سپاه، رشد و افزایش سپاه، و عملکرد سپاه؛ این سه سرفصل را عرض کردیم.

سرفصل مهم در مورد سپاه، مساله پاسداری است، نه از انقلاب، [بلکه] از خود. قبل از آنکه راجع به پاسداری سپاه از انقلاب اهتمام بوزیریم و بحث کنیم و توجه کنیم، به پاسداری سپاه از خود باید توجه کنیم. همه انسان‌ها در معرض لغزشند. همه سازمان‌ها در معرض لغزشند، در معرض کسالت و تنبلی و مغرور شدن و گرایش‌های گوناگون گمراه کننده و [مانند] اینها هستند؛ همه این‌چیزها، غیر از معصومان. همه روسا، همه مدیران، همه رهبران، همه فرماندهان، همه ماها، همه ماها در معرضیم؛ پس نیازمندیم بعضی از خودحفاظتی؛ در درجه اول نیازمندیم به پاسداری از خویش. این پاسداری از خویش در فرهنگ غربی اسمش «تقوا» است.

ارزش‌های سپاه، برجستگی‌های سپاه خیلی ارزشمندند؛ اینها باید حراست کرد؛ از اینها باید حفاظت کرد؛ مسئولان رتبه‌های مختلف سپاه موظفند در این زمینه‌ها فعال باشند، حساس باشند، مراقب باشند، نگران باشند؛ اگر از یاد خدا غفلت پیدا شد، این خطر تعدد می‌شود. عوامل خطر را اینها است: غفلت از خدا، مغرور شدن به دستاوردها، خسته شدن از کار جهادی، بی‌توجهی به نعمت‌های الهی.

بعضی از قشرها هستند که اگر خطایی از آنها سر بزنند خدای متعال، آن را دو خطا حساب می‌کند، ما معصمین از این قبیل هستیم؛ [یک] خطای ما دو خطا است. خدای متعال به زن‌های پیغمبر می‌فرماید: «یا نساء اللّٰتی من بأت منکنّ فاحصهٌ مّبیّنهٌ یضاعف لّٰها العذابُ ضعیفین»؛ به زن‌های پیغمبر! زن‌های پیغمبر صالحاً نوتنها! آجزها مَرْتَبین»؛ اگر کار خوب هم بکنید دو برابر به شما پاداش می‌دهیم. شما سپاه‌ها هم همین‌چنین هستید. اگر چنانچه شما هم کار خوب بکنید دو برابر پاداش می‌گیرید؛ یکی پاداش خود آن کار خوب، یکی پاداش الگو شدن برای دیگران. ما معصمین هم همین‌چنین هستیم؛ دو برابر از آن طرف اگر چنانچه خطایی از ما سر بزند هم همین‌چنین؛ یک گناه، خود گناه و یک گناه [هم] برای آثار بیرونی‌ای که این گناه ما دارد،

گاهی ما به آن مبتلا شده‌ایم و باید مراقب باشیم مبتلا نشویم، این است که در شناخت دشمن اشتباه نکنیم. گاهی اوقات انسان در شناخت دشمن اشتباه می‌کند. امام (رضوان الله علیه) با آن چشم بصیرت، یعنی واقعا هیچ تعبیری بهتر از این دیگر درباره آن مرد نمی‌شود گفت، بصیرت به معنای واقعی کلمه - که در لایه‌های پنهان نفوذ پیدا می‌کرد و چیزهایی را می‌دید، گفت: «هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید.» پس معلوم شد که علت اینکه با این انقلاب دشمنی وجود دارد چیست و آن کسانی که دشمنی دارند چه کسانی هستند.

یک نکته دیگر هم در باب این دشمنی‌ها وجود دارد؛ اگر جمهوری اسلامی الگو نمی‌شد، باز این دشمنی‌ها کمتر بود اما جمهوری اسلامی الگو شده، پیشگام شده، این انقلاب دشمنی وجود دارد. حرکت‌های مقاومتی در این منطقه حساس شده؛ مساله این است. این هم یکی از چیزهای مهم است. ببینید! تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی این رژیم حقیر صهیونیستی می‌توانست در ظرف شش روز ارتش چند کشور نسبتاً قوی دور و بر خودش را زمین کند؛ مصر را، سوریه را، اردن را. در ۱۹۶۷ در جنگ شش‌روزه، ارتش صهیونیست توانست ارتش‌های مجهز این سه کشور را زمین گیر کند و مقادیر زیادی از خاک اینها را هم تصرف کند؛ صدها کیلومتر مربع از خاک این سه کشور را گرفت. عین همین قضیه در سال ۱۹۷۳ اتفاق افتاد. آنجا این کشورهای مصر و سوریه توانستند از یک غافلگیری استفاده کنند، اول کار یک حرکتی انجام بدهند؛ ولی بلافاصله باز توانست آنها را محاصره کند، باز هم آنها را شکست داد؛ یعنی رژیم صهیونیستی جوری بود که سه کشور، با همه ارتش‌شان حریف او نمی‌شدند و او در ظرف ۶ روز آنها را زمین گیر می‌کرد. بعد از انقلاب اسلامی، کار به جایی رسید که همین رژیم ۳۳ روزه هم تلاش خودش را کرد که حزب الله را در لبنان شکست بدهد، نتوانست و مجبور شد با فضاحت فرار کند؛ در مقابل حزب الله نتوانست مقاومت بکند. فاصله قبل از انقلاب و انقلاب، فاصله جنگ شش‌روزه و جنگ ۳۳ روزه است. امروز کار به جایی رسیده که در داخل سرزمین‌های اشغالی فلسطین، در منطقه غرب رود اردن، خود جوان‌ها جوری حرکت می‌کنند، جوری حمله می‌کنند که رژیم صهیونیستی را عاجز می‌کنند و عاجز کرده‌اند. انقلاب این است؛ خوب قهرا دشمنی پیدا می‌شود دیگر.

نکته آخر را هم عرض کنم. پیشرفت‌ها زیاد است، خوب، خوب فراوان است، توانایی‌ها روزافزون است - فرماندهی محترم سپاه بیانات خوبی کردند در سرباره توانایی‌ها و در بیان توصیف آنچه وجود دارد - همه اینها هست، شاید خیلی چیزهای دیگر هم هست که طبعاً در گزارش‌ها نمی‌آید، لکن من عرض می‌کنم به توانایی‌ها و پیشرفت‌ها مغرور نشوید؛ مراقب باشید غره نشویم به آنچه داریم، قدرش را بدانیم، اهمیتش را درک کنیم، بدانیم که آن سیاست راهبردی [ایجاد] بحران‌های بی‌دری که در کنفرانس گوادولوپ تصویب شد، هنوز جریان دارد، آن سیاست هنوز در حال جریان است، از آن سیاست دست برنداشته‌اند. [می‌خواهند] در داخل نظام جمهوری اسلامی، کشور عزیز ما، دائماً بحران ایجاد کنند؛ یک روز به بهانه انتخابات، یک روز به بهانه بنزین، یک روز به بهانه زن، به بهانه‌های گوناگون، [می‌خواهند] بحران‌سازی کنند و می‌کنند. ابزارها هم امروز ابزارهای پیشرفته‌تری است؛ معلوم است. هدف دشمن هم از این بحران‌ها، در درجه اول، این است که امنیت کشور را از بین ببرد؛ امنیت که نبود، اقتصاد هم نیست؛ امنیت که نبود، علم نیست، دانشگاه نیست، مراکز تحقیقاتی نیست؛ امنیت که نبود، اشتغال نیست؛ امنیت که نبود، کارهای زیرساخت‌سازی هم نیست؛ امنیت که نبود، راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده هم نیست؛ امنیت اصل است. هدف از این بحران‌سازی‌ها مخدوش کردن امنیت کشور است؛ این را به عنوان یک حقیقت باید بدانیم و وظیفه خودمان را در قبال آن مشخص بکنیم. دشمن می‌خواهد در امنیت کشور تصرف کند، در زندگی مردم اختلال ایجاد کند؛ در دشمن این است. خوب عامل اصلی البته معلوم است؛ عامل اصلی همین دستگاه‌های جاسوسی سیا و موساد و ام‌آی ۶ و مانند اینها هستند دیگر؛ اصل اینها هستند، منتها پادوهای هم دارند؛ پادوهای داخلی، پادوهای خارجی، عناصر غرب‌گرا، عناصر بی‌توجه؛ اینها هم پادویی می‌کنند، اما اصل قضیه آنجا است؛ سر قضیه آنجا است.

امروز وظیفه ما مراقبت دائمی از انقلاب است؛ وظیفه‌مان امروز وحدت ملی است؛ وحدت ملی مهم است؛ وظیفه‌مان امروز مشارکت دادن مردم است؛ کمک کردن به آحاد مردم بخصوص به طبقات ضعیف است؛ وظیفه‌مان امروز کار جهادی مسئولان است؛ این دیگر مربوط به خصوص سپاه نیست، همه مسئولان کشور امروز موظفند کار جهادی کنند، شایسته‌روزی کار کنند، خستگی نشانند. ما فصل ششمی را حرکت کرده‌ایم؛ این سربالایی، این شیب تند را عبور کرده‌ایم، به قله‌ها نزدیک شده‌ایم. نباید خسته بشویم. امروز روز خسته شدن نیست، روز ناامید شدن نیست؛ امروز روز شوق است، روز امید است، روز حرکت است؛ مسئولان کشور در بخش‌های مختلف باید با این روحیه حرکت کنند. اعتماد باید وجود داشته باشد، نمی‌گویم انتقاد نباشد؛ انتقاد همراه با اعتماد. می‌خواهند انتقاد بکنند، اشکال ندارد، اما اعتماد داشته باشند. مسئولان دارند کار می‌کنند؛ با اخلاص، با علاقه‌مندی، با شوق، با توکل به خدا، با همه توان. اعتماد بشود به آنها، انتقاد هم اگر لازم بود، [بشود]؛ من مخالفتی با انتقاد ندارم. اگر این راه را دنبال کردیم و بحمدالله تا امروز دنبال شده و بعد از این هم به فضل الهی، به توفیق الهی دنبال خواهد شد، پیروزی بر دشمن قطعی است.

به دست آمده. فرانسه کشور ثروتمندی شد، توانست کارهای علمی بکند. [تروتش را] از کجا به دست آورده بود؟ از الجزایر، از مراکش، از تونس، از مناطق فرانسوی نشین آفریقا یا آمریکا یا لاتین، بقیه هم همین‌چنین. بنای کار اینها بر استعمار بوده. چون جوان‌ها انجام داده‌اند، سفارش مؤکد می‌کنم که سعی کنید آراستگی معنوی و علمی و عملی خودتان را از گذشتگان‌تان بالاتر ببرید.

خب، حالا برسیم به پاسداری از انقلاب؛ «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، اولین سوالی که پیش می‌آید این است که در انقلاب اسلامی، چه خصوصیتی هست که آن را آماج حمله دشمن قرار می‌دهد که احتیاج پیدا می‌شود به اینکه یک پاسداری وجود داشته باشد تا آن پاسداری کنید؟ کجای انقلاب اسلامی است که موجب این است که دشمنان، پیدا و پنهان صف‌آرایی کنند و ما ناچار بشویم برایش پاسدار فراهم کنیم که از انقلاب حفاظت کند و حراست کند؟ جواب این سوال جواب روشنی است. جواب این است؛ حاکمیت سیاسی انقلاب. اسلام خیلی جاها در دنیا هست. اسلامی که به گاو و گوسفند استعمارگر و استثمارگر و مستکبر و کمپانی‌های آنچنانی هم کاری ندارد؛ اینها هم کاری با آن ندارند. اگرچه حالا با همان‌ها خیلی دل‌شان صاف نیست اما خوب به آنها هم خیلی اهمیت نمی‌دهند. آن چیزی که دشمن را بسیج می‌کند در مقابل اسلام پایستند، حاکمیت سیاسی اسلام است. این چیزی است که به همت ملت ایران، با رهبری آن مرد بی‌نظیر - امام بزرگوار - به معنای واقعی کلمه بی‌نظیر بود - در اینجا تحقق پیدا کرد، و دشمن‌ها را در مقابلش به صف‌آرایی وادار کرد؛ حاکمیت سیاسی اسلام.

خب، سوال بعدی این است که حاکمیت سیاسی اسلام مگر چه خصوصیتی دارد که آنها را حساس می‌کند، آنها را وادار به عکس‌العمل و واکنش می‌کند. این چیست؟ این مهم است. باید روی این تعمق کنیم. اینجاست که هر چه فهم ما از انقلاب اسلامی عمیق‌تر باشد، دقیق‌تر باشد، روشن‌تر باشد، همت‌مان برای پاسداری بیشتر خواهد شد. البته در این زمینه دیگر اگر آدم بخواهد بحث کند، بحث یک ساعت و دو ساعت نیست. خصوصیتی که در نظام اسلامی و جامعه اسلامی و سیاست اسلامی هست، اینها خوب بحث‌های طولانی است. من چند نکته را فقط اشاره می‌کنم.

نظام سیاسی اسلام با ظلم مخالف است، با ظالم مخالف است، خیلی ساده. دستور دارد «کونالظالم خصماً»؛ به ما گفته‌اند «کونالظالم خصماً». امیرالمؤمنین، مظهر اسلام واقعی، وصیتش به عزیزترین‌ش عناصر عالم یعنی دو فرزندش این است که با ظالم دشمن باشید، با ظالم خصومت کنید. و للمظلوم عوناً؛ این اول. خوب اگر یک سیاستی در دنیا، یک دستگاهی در دنیا، یک قدرتی در دنیا بر اساس ظلم بنا شده، خوب معلوم است با این نظام مخالف است، چون می‌داند این [نظام] خصمش است. بنای رژیم صهیونیستی بر ظلم است. اصلاً مبتنی بر ظلم است. یک ملت را از خانه و زندگی‌شان بیرون کرده‌اند، [آن هم] نه با پول و درخواست، [بلکه] با تفنگ و با شکنجه و با باتوم، و جای آنها نشسته‌اند. مبنایش ظلم است. خوب رژیم قهرا با نظامی که «کونالظالم خصماً» را تابلو کرده و بالای سرش نگه داشته مخالف است. طبیعی است.

نظام اسلامی با دست‌درازی کردن به منافع ملت‌ها مخالف است. حتی اگر در عقیده و رفتار همسان هم نباشند. «ولا یجرمکم شأن قوم علیّ الا تدلّوا»؛ در مواجهه با ملت‌ها، با دادگری و عدالت رفتار بکنید، حتی اگر چنانچه با شما هم عقیده نیستند. شأن قوم، یعنی با شما حتی مخالفت هم دارند، اما در برخورد با آنها بی‌عدالتی نباید بکنید. خوب، رژیم‌هایی که مبنای کارشان بی‌عدالتی است، اینها طبعاً مخالفند. انگلیس یک روزی ثروتمندترین کشور اروپا بود. از کجا آورده بود؟ از هندوستان، از منطقه شرقی بعد از شبه‌قاره هند، از سرزمین‌های آمریکا، آن وقتی که در اشغال انگلیس‌ها بود. ثروت با غارت منافع دیگران

والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته